

الگوی پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی: نظریه داده‌بنیاد

منصور دهقان منشادی^۱، شیما حاجیان نصرآبادی^۲، حمیده همتی^۳

چکیده

هوش فرهنگی توانایی و مهارتی است که امکان فهم فرهنگ‌ها و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و سازگاری با تفاوت‌های فرهنگی را فراهم می‌سازد و پرورش آن در دانش‌آموزان اعتماد به نفس لازم برای فعالیت موفقیت‌آمیز در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها را به ارمغان می‌آورد. هدف این پژوهش طراحی الگوی پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی است. جهت ارائه این الگو و رسیدن به داده‌ها، از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش متخصصان روان‌شناسی و مشاوره کودک بودند و ۱۹ نفر از میان آن‌ها به صورت نمونه‌گیری نظری برای انجام مصاحبه عمیق انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. بررسی اعتبار یافته‌ها با روش تطبیق توسط اعضا و انجام مصاحبه‌های نیمه‌عمیق انجام گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که ۵۹۰ گزاره مفهومی اولیه با ۵۲ مقوله فرعی و ۱۸ مقوله اصلی در قالب ابعاد شش‌گانه مدل پارادایمی، شامل موجبات علی (۴ مقوله)، پدیده اصلی (پرورش هوش فرهنگی)، راهبرد (۴ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۴ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله) و پیامدها (۲ مقوله)، شناسایی شدند. یکپارچه‌سازی مقوله‌ها بر مبنای روابط موجود بین آن‌ها، حول محور پرورش هوش فرهنگی شکل‌دهنده مدل پارادایمی است که الگوی هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: هوش فرهنگی، دانش‌آموزان ابتدایی، نظریه داده‌بنیاد

۱. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

(mansoor.dehghan@cfu.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

The Model of Developing Cultural Intelligence of Elementary School Students: Grounded Theory

Mansoor Dehghan Manshadi¹
Shima Hajiyan Nasrabadi²
Hamideh Hemmati³

Abstract

Cultural intelligence is an ability and skill that provides the possibility of understanding cultures and peaceful coexistence and adapting to cultural differences; Cultivating cultural intelligence in students brings self-confidence necessary for successful activity in a wide range of situations. The purpose of this research is to design a model for cultivating cultural intelligence in primary school students. In order to present this model and get the data, the qualitative method of the theory of data request or foundation data was used. The participants in this research were experts in child psychology and counseling, and 19 of them were selected through theoretical sampling to conduct in-depth interviews, and the interviews continued until theoretical saturation was reached. Validity of findings was checked by matching method by members and conducting test interviews. To analyze the qualitative data, open, axial and selective coding was used. The results show that 590 primary conceptual propositions with 52 sub-categories and 18 main categories in the form of 6 dimensions of the paradigm model include: causal factors (4 categories), main phenomenon (cultivation of cultural intelligence), strategy (4 categories), background conditions (4 categories), environmental conditions (4 categories) and consequences (2 categories) were identified. The integration of categories based on the existing relationships between them, around the development of cultural intelligence, forms a paradigm model that shows the pattern of cultural intelligence in primary school students.

Keywords: Cultural Intelligence, Elementary Students, Foundational Data Theory

-
1. Assistant professor in Department of Educational Management, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author): mansoor.dehghan@cfu.ac.ir
 2. Master of General Psychology, Yazd Islamic Azad University, Yazd, Iran.
 3. PhD student in Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

مقدمه

سازمان‌های آموزشی بخش مهمی از سرمایه انسانی و توسعه اجتماعی و اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند و آینده این مؤسسات وابسته به شناسایی و جذب استعدادها است (کینگ و وایمن^۱، ۲۰۱۹). آموزش و پرورش نیز در زمره سازمان‌های آموزشی است که به عنوان نهادی فرهنگی و اجتماعی، نقشی اساسی در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی و در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند، به گونه‌ای که آینده کشور در آینه آموزش و پرورش امروز قابل مشاهده است. دوره ابتدایی اولین دوره‌ای است که دانش‌آموزان به آن وارد می‌شوند و در نظام آموزشی اهمیت زیادی دارد، زیرا نوع عملکرد در این مقطع باعث رشد فراگیران و افزایش توانایی دانش‌آموزان می‌شود (ذهبیون و همکاران، ۱۴۰۰). دانش‌آموزان ابتدایی به عنوان باارزش‌ترین سرمایه‌های یک جامعه، هنگامی می‌توانند موجب تعالی خود و کشور شوند که تمام ابعاد وجودی‌شان (فردی، اجتماعی و فرهنگی) به درستی رشد و نمو کرده باشد. بخش بزرگی از رشد و تعالی هر شخص در دوران ابتدایی و مدرسه شکل می‌گیرد. اگر دانش‌آموزان نتوانند اطراف خود را کنترل کنند و مشکلاتی در برقراری ارتباط داشته باشند، افرادی ناسازگار، دشوار و مسئله‌دار تلقی خواهند شد (معمدی شارک و همکاران، ۱۳۹۵).

در واقع امروزه از آموزش و یادگیری به عنوان فرایندی منظم و هدفمند یاد می‌شود. بزرگ‌ترین بیماری عصر ما همنوایی و سازگاری اجباری است. مردم به جای اینکه خودشان باشند، مدام از یکدیگر تقلید می‌کنند و سعی دارند نسبت به موقعیت‌های مختلف سازگاری یکسان و ازپیش‌تعیین‌شده‌ای نشان دهند که به معنای مرگ خلاقیت و خودجوشی و آزادی است؛ از همین رو مهمترین مسئله این است که در جستجوی خویشتن و کشف هویت فردی باشیم و این مقوله را نیز به دانش‌آموزان آموزش داد. از طرفی به حساب نیاوردن تفاوت‌های فرهنگی و عدم توانایی درک و سازگاری با آن در گذشته دلیل بسیاری از شکست‌ها در افراد بوده است. درک و هدایت تفاوت‌های فرهنگی به دانش‌آموزان در رسیدن به اهدافشان کمک می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۸).

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی که در این راه می‌تواند به بشر معاصر یاری رساند، هوش فرهنگی است. هوش فرهنگی دامنه جدیدی از هوش است و به فرد

اجازه می‌دهد که تشخیص دهد دیگران چگونه فکر می‌کنند و چگونه به الگوهای رفتاری پاسخ می‌دهند؛ در نتیجه موانع ارتباطی بین فرهنگی را کاهش، و به افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی می‌دهد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹). هسته اصلی هوش فرهنگی توانمندی افراد یا گروه‌های اجتماعی در تعامل اجتماعی سازنده با افراد یا گروه‌های اجتماعی با فرهنگ متفاوت است (فقیه آرام و همکاران، ۱۳۹۷). انگ و داین^۱ (۲۰۰۸) تأکید می‌کنند که این مفهوم بیانگر توانمندی فردی برای عمل و مدیریت اثربخش در مجموعه‌های به لحاظ فرهنگی متنوع تعریف است. در واقع امروزه اولین عامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت افراد در مرزهای جهانی، هوش عمومی و سابقه کاری آن‌ها نیست، بلکه این هوش فرهنگی است که به افراد قدرت، و اثربخشی آن‌ها در موقعیت‌های چندفرهنگی را افزایش می‌دهد (هیو^۲ و همکاران، ۲۰۲۰)، زیرا افرادی که هوش فرهنگی بالاتری دارند به راحتی می‌توانند فرهنگ‌های ناآشنا را پیمایش و درک کنند و رفتارهای خود را برای عملکرد مؤثر در موقعیت‌های متنوع فرهنگی تغییر دهند (کابلی، ۱۴۰۰).

کابلی (۱۴۰۰) به این نتیجه رسید که هوش فرهنگی مفهومی چندوجهی و چندبعدی است که تمایلات انسانی در رابطه با فرهنگ‌های دیگر را از زوایای متفاوت مورد واکاوی و ارزیابی قرار می‌دهد؛ توانایی درگیر شدن در یک موقعیت رفتاری است که باعث استفاده از مهارت‌هایی مثل زبان و مهارت‌های میان‌فردی و ویژگی‌هایی نظیر حد تحمل ابهام و انعطاف‌پذیری می‌شود و منجر به تنظیم مناسب رفتار شخص بر مبنای ارزش‌های پایه فرهنگی و نگرشی شخص مقابل می‌گردد؛ بنابراین هوش فرهنگی یک قابلیت انعطاف‌پذیر است که می‌تواند به وسیله آموزش و تجربه ارتقا داده شود. مدارس و دانش‌آموزان از تنوع فرهنگی بالایی دارند. به نظر می‌رسد می‌توان برای موفقیت در مدیریت نظام‌های آموزشی و در مواجهه با افرادی از فرهنگ‌های مختلف از هوش فرهنگی استفاده کرد. این هوش همانند چسبی است که می‌تواند در محیط آموزشی هماهنگی ایجاد کند و از ضروریات پرورش هوش فرهنگی آن است که افراد دارای این هوش، قادرند اثر قابل توجهی بر اطراف خود بگذارند، زیرا دانش‌آموزان دارای‌های ارزشمند سازمانند و به خصوص در زمان بحران ارزش خود را بیشتر نمایان می‌کنند. در واقع این روزها با برخط شدن مدارس و آشنا شدن دانش‌آموزان با یکدیگر در اقصی نقاط

1. Ang & Dyne
2. Hu

ایران و جهان، مسئله هوش فرهنگی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. می‌توان گفت این هوش خاص یک فرهنگ نیست، بلکه سازه‌ای آزاد از فرهنگ است و به ورای مرزهای فرهنگی رفته و چهار مؤلفه فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری دارد (چوآ و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

هوش فرهنگی به نوعی مکمل هوش است و می‌تواند تغییرپذیری در فائق آمدن با تنوع و کار کردن در شرایط فرهنگی جدید را توصیف کند. با این تفصیل، هوش فرهنگی ممکن است زمینه‌ساز فرایند ارزیابی در دانش‌آموزان شود. آن‌ها از طریق این هوش می‌توانند در رابطه با مسائل اساسی زندگی خود سؤال کنند و به مدد آن، تغییر و تحول را در زندگی خود رقم بزنند (رحیمی و حلوائی، ۱۳۹۸)؛ با این همه، ممکن است دانش‌آموزان مقطع ابتدایی هنوز توانایی شناختی برای درک این مطالب را کسب نکرده باشند، اما به هر حال بدیهی است که جامعه علمی زنده و پویا، جامعه‌ای است که هوش فرهنگی در آن تعریف شده باشد. در رابطه با انواع هوش، از جمله هوش فرهنگی، همواره این پرسش مطرح است که آیا می‌توان آن را با آموزش مستقیم یا غیرمستقیم بهبود بخشید، و در صورتی که پاسخ به چنین پرسشی مثبت باشد تا چه اندازه امکان تقویت هوش فرهنگی از راه چنین آموزش‌هایی امکانپذیر است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه کودکی هر شخص از طلایی‌ترین دوره‌های زندگی او برای آموزش و پرورش است، هوش فرهنگی در این دوران از اهمیت بسیاری برخوردار است. حال اگر تدابیری درست اتخاذ شود و با استفاده از روش‌های مناسب در این زمینه مداخله صورت گیرد، در نهایت می‌توان دانش‌آموزان را به کمال رساند و اگر از این دوران و اهمیت این مسئله غفلت شود، چیزی جز افرادی خجالتی و نامتعهد حاصل نمی‌شود؛ همان افرادی که در آینده‌ای نزدیک سرپرستان یک خانواده یا در ابعادی بزرگ‌تر، رهبران یک جامعه، خواهند شد. بنابراین وجود الگوی مناسب و مشخص برای هوش فرهنگی دانش‌آموزان دوران ابتدایی امری ضروری است. با طراحی چنین الگویی، آینده روشن‌تری برای دانش‌آموزان رقم خواهد خورد. ارلی و ماساکوفسکی^۲ (۲۰۰۴) در تحقیقی نشان داده‌اند که هرچند سهم اندکی از هوش فرهنگی را می‌توان ذاتی و درونی تلقی کرد، اما بی‌تردید سهم مهمی از هوش فرهنگی هر فرد ناشی از آموزش و یادگیری

1. Chua et al

2. Early & Mosakowski

است. بر مبنای چنین دیدگاهی است که اندیشمندان مختلف سعی کرده‌اند الگوهای مختلفی برای تقویت هوش فرهنگی از طریق آموزش ارائه دهند. پس با توجه به تفاوت‌هایی که دانش‌آموزان دارند و با عنایت به اهمیت جایگاه هوش فرهنگی و نقش تعیین‌کننده آن در رشد مهارت‌ها و قابلیت‌های متنوع و متکثر دانش‌آموزان، به عنوان بذرهایی که باید به زودی عهده‌دار پذیرش وظایف و مسئولیت‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی شوند، برای سازمان‌های آموزشی که آموزش و پرورش سطح عالی را بر عهده دارند، اهمیت دارد و با توجه به پیشینه کم پژوهشی (چون بیشتر پژوهش‌های هوش فرهنگی بر روی سازمان‌ها انجام شده) و اینکه تاکنون این موارد در مدلی جامع، به صورت طراحی یک الگو، مورد مطالعه قرار نگرفته، هدف پژوهش حاضر، پاسخگویی به این سؤال است که چه الگویی برای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی مناسب است.

روش

پژوهش حاضر از نظر جهتگیری، اکتشافی و از نظر هدف بنیادی است. رویکرد پژوهش کیفی و از روش داده‌بنیاد استفاده کرده و برای تعیین عوامل و شرایط پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی صورت گرفته تا بتوان از طریق بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه روان‌شناسی و مشاوره کودک، به الگویی برای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان این دوره دست یابد. محیط پژوهش شامل تمام کارشناسان و متخصصان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره کودک است که برای مدتی در زمینه کودک فعالیت داشته و آشنا به مدارس ابتدایی بوده‌اند. نظر به اینکه هدف پژوهش حاضر طراحی الگو بر اساس تجارب متخصصان است، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، و مراکز مشاوره و بهزیستی محیط‌هایی مناسب برای یافتن متخصصان این زمینه است. در پژوهش حاضر، محقق با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، با نوزده نفر از متخصصانی که در زمینه کودک مطالعه داشته‌اند مصاحبه‌های عمیق انجام داد؛ بدین منظور، ابتدا محقق با مراجعه به فردی کلیدی، فرایند مصاحبه را شروع کرد و در ادامه، مصاحبه‌شوندگان متخصصان خبره بعدی را برای مصاحبه معرفی کردند. مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه پیدا کرد که احساس شد دیگر پاسخ‌های به‌دست‌آمده در مصاحبه‌های جدید با

پاسخ‌های مصاحبه‌های قبلی مشابهت دارد و مقوله‌ جدیدی به یافته‌ها اضافه نمی‌شود (مصاحبه‌ها به اشباع نظری رسیدند). اهم سؤالات مطرح‌شده با متخصصان منتخب برای انجام مصاحبه به شرح زیر است:

- به نظر شما عوامل اصلی مؤثر در پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدامند؟
- از دیدگاه شما چه بستر و زمینه‌هایی برای پرورش هوش فرهنگی در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی لازم است؟
- به نظر شما عوامل و شرایط محیطی تأثیرگذار بر پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدامند؟
- چه راهکارها و استراتژی‌هایی برای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی پیشنهاد می‌کنید؟
- نتایج و پیامدهای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدامند؟
- هر نظر یا پیشنهاد دیگری در مورد پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دارید بیان کنید.

انجام مصاحبه تا جایی ادامه یافت که در مصاحبه با نفر نوزدهم احساس شد پاسخ‌ها تقریباً شبیه به هم شده و به اصطلاح مصاحبه به نقطه اشباع رسیده است. به منظور سنجش روایی پژوهش، گزارش نهایی تحلیل داده‌ها و مقوله‌های به‌دست آمده، همراه با متن مصاحبه به سه نفر از مصاحبه‌شوندگان داده شد و از نظرات آن‌ها در کدگذاری‌ها و تدوین الگو استفاده گردید و این روند به مدت حدود دو ماه طول کشید؛ به علاوه، فرایند کدگذاری‌ها توسط سه نفر از اساتید خبره که خودشان از مصاحبه‌شوندگان نبودند مورد بررسی قرار گرفت و پیشنهادهای آن‌ها در طراحی الگو مد نظر قرار گرفت. پژوهشگر در راستای توانمندسازی خود و تحقق مصاحبه‌هایی صحیح و بادقت، با روش تطبیقی، ابتدا اقدام به انجام دو مصاحبه به صورت آزمایشی نمود و پس از تحلیل نتایج آن مصاحبه‌ها و مقایسه با اهداف و سؤالات پژوهش، اصلاحاتی را در سؤالات انجام داد تا سبب بالا رفتن دقت ابزار تحقیق گردد.

مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

افراد انتخاب‌شده در این پژوهش برای مصاحبه شامل ۱۹ تن از متخصصان و صاحب‌نظران

رشته روان‌شناسی و مشاوره بود که بین ۳۱ تا ۶۸ سن داشتند. مصاحبه‌شوندگان را ۱۱ مرد و ۸ زن تشکیل می‌دادند. از لحاظ سطح تحصیلات نیز ۵ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲ نفر دانشجوی دکتری و ۱۲ نفر دارای مدرک دکتری بودند. این افراد بین ۲ تا ۳۰ سال سابقه کار در حوزه فعالیت خود بودند. مشخصات توصیفی مصاحبه‌شوندگان در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (n = ۱۹)

درصد	تعداد	
٪۴۲	۸	زن
٪۵۸	۱۱	مرد
٪۹۰	۱۷	متاهل
٪۱۰	۲	مجرد
٪۲۶	۵	کارشناسی ارشد
٪۱۰	۲	دانشجوی دکترا
٪۶۳	۱۲	دکترا
٪۶۳	۱۲	سابقه زیر ۱۰ سال
٪۳۱	۶	سابقه خدمت ۱۰ تا ۳۰

یافته‌ها

فرایند کدگذاری

در روش نظریه داده‌بنیاد، سه مرحله کدگذاری سپری می‌شود؛ ابتدا کدگذاری باز، سپس کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری گزینشی.

کدگذاری باز

کدگذاری باز متون مکتوب مصاحبه‌ها را به اجزای کوچک‌تری تقسیم می‌کند. مصاحبه‌های انجام‌شده پاراگراف‌بندی شد و هر یک در جدولی قرار گرفت، و به منظور سهولت در روند تحلیل، مطابق روش کدگذاری باز، به صورت مفاهیم و کدهای مفهوم درآمد. در نهایت ۵۹۰ کدهای اولیه از مصاحبه‌های پیاده‌شده استخراج شد. در جدول شماره ۲ نمونه‌ای از مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده در فرایند کدگذاری باز آورده شده است.

جدول ۲ نمونه‌ای از مفاهیم استخراج‌شده و کدهای مفهومی در کدگذاری باز

کد مفهومی	مفاهیم استخراج‌شده
۱. آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان	از جمله بسترها و زمینه‌های پرورش هوش فرهنگی آموزش مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی کودکان به آن‌ها این اجازه را می‌دهد که ارتباط بهتری با همسالان خود داشته باشند.
۲. تأثیر مهارت‌های اجتماعی در بهبود روابط بین دانش‌آموزان	
۳. افزایش موفقیت فرد در جامعه	
۴. نقش دوستان و همسالان در اجتماعی شدن افراد	همسالان و دوستان از مهم‌ترین عوامل اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان به حساب می‌آیند. آن‌ها از راه‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. دوستان و همسالان علاوه بر اجتماعی شدن خود، بر روی یادگیری و پیشرفت تحصیلی هم نیز اثر می‌گذارند. جایی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، صمیمیت و همکاری نیز شکل می‌گیرد.
۵. تأثیر روابط بین دانش‌آموزان بر روی یادگیری و پیشرفت تحصیلی یکدیگر	
۶. اهمیت ارتباط صحیح در شکل‌گیری صمیمیت و همکاری بین دانش‌آموزان	
۷. خانواده مهم‌ترین محیط شکل‌دهنده به روابط اجتماعی	اولین و مهم‌ترین محیطی که کودک در آن روابط اجتماعی را یاد می‌گیرد خانواده است؛ پس خانواده در شکل‌گیری تعاملات، عادات‌ها و اندیشه‌های کودک نقش بسیار مهمی دارد.
۸. پایگاه اقتصادی خانواده	به نظر من پایگاه اقتصادی از جمله عوامل و شرایط محیطی است. از دیگر عوامل خانواده است. تعداد افراد خانواده، روش فرزندپروری والدین و ارزش‌های فرهنگی خانواده از عوامل تأثیرگذار است.
۹. خانواده	
۱۰. تعداد افراد خانواده	
۱۱. سبک فرزندپروری والدین	
۱۲. ارزش‌های فرهنگی خانواده	
۱۳. تأثیر جذابیت ظاهری مدرسه بر یادگیری	شکل ظاهری کلاس و مدرسه، استفاده از عکس‌ها و علائم و نقاشی بر روی در و دیوار مدرسه می‌تواند بر میزان یادگیری دانش‌آموز اثر بگذارد. همچنین تأثیر نور و رنگ در محیط مدرسه بسیار مهم است.
۱۴. مدیریت مدرسه	
۱۵. ویژگی‌های معلمان	همچنین ویژگی‌های معلمان، فرهنگ و جوّ سازمانی مدرسه و مدیریت مدرسه تأثیرگذار است.
۱۶. فرهنگ و جوّ سازمانی مدرسه	
۱۷. اهمیت یادگیری مهارت ارتباطی در جهت برقراری ارتباط با دیگران	دانش‌آموزان برای برقراری ارتباط با دیگران، دوستان و معلمان نیاز به یادگیری مهارت‌هایی دارند که بتوانند آن ارتباط را حفظ کنند. آینده دانش‌آموزان، شغل، دوستان، میزان درآمد و ازدواج تحت تأثیر همین شیوه برقراری ارتباط است.
۱۸. تأثیر برقراری ارتباط با دیگران بر آینده دانش‌آموز	
۱۹. محتوای کتب درسی	هرچه تلاش شود محتوای کتب درسی به سمت آموزش مفاهیم فرهنگی، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف و نوع رفتار مردمان فرهنگ‌های دیگر برود، تأثیر بیشتری بر پرورش هوش فرهنگی خواهد داشت.
۲۰. آشنایی دانش‌آموزان با رفتارهای کلامی و غیرکلامی فرهنگ‌ها	یکی دیگر از راهکارها و استراتژی‌ها برای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان، آشنا کردن آنان با رفتارهای کلامی و غیرکلامی در فرهنگ‌های مختلف است.
۲۱. آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر	
۲۲. برطرف کردن تعارضات فرهنگی	اگر دانش‌آموزان از هوش فرهنگی بالا و مهارت اجتماعی لازم برخوردار باشند به نحو شایسته‌تری می‌توانند اصول فرهنگ‌های دیگر را کسب و انگیزه لازم برای برطرف کردن تعارضات فرهنگی را به دست آورند. همین امر در موفقیت تحصیلی آن‌ها نیز اثرگذار است.
۲۳. موفقیت تحصیلی	

کد مفهومی	مفاهیم استخراج شده
۲۴. آموزش مهارت‌های اخلاقی	در اولویت قرار گرفتن ارتقای هوش فرهنگی دانش آموزان در نظام آموزشی فعلی با کمک آموزش مهارت‌های اخلاقی و اجتماعی، مثل تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مهارت گفتگو، تاب‌آوری و مدارا با دیگران، امکانپذیر است.
۲۵. آموزش مهارت‌های اجتماعی	

کد گذاری محوری

در این مرحله، محقق با بررسی دقیق مقوله‌های شناسایی شده و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، مقوله‌های کشف شده را تحت مقوله‌های اصلی قرار داد. طبق نظر بازرگان (۱۳۹۵) برای کد گذاری محوری، پژوهشگر یک مقوله کد گذاری باز انتخاب می‌کند (به عنوان مقوله یا پدیده اصلی) و در مرکز فرایند مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌کند. سایر مقوله‌ها متشکل از موجبات علی (عواملی که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، راهبردها (اقداماتی که در رابطه با مقوله اصلی انجام می‌شود)، شرایط زمینه‌ای و واسطه‌ای (عوامل محیطی و زمینه‌ای ویژه‌ای که راهبرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند) و عواقب (پیامدهای حاصل از راهبردها) است. در این پژوهش، در مرحله کد گذاری محوری، ۵۲ مقوله فرعی و ۱۸ مقوله اصلی شناسایی شد. در جدول شماره ۳، نمونه‌ای از کد گذاری محوری آورده شده است.

جدول ۳ نمونه‌ای از مقوله‌های شناسایی شده در کد گذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم هم‌دسته
عوامل اجتماعی	محیط اجتماعی	۳۸. تأثیر محیط زندگی
		۵۱. اهمیت محیط
		۱۰۸. نقش جامعه در شکل‌گیری هوش فرهنگی
		۱۳۰. اهمیت شرایط اجتماعی
		۱۳۱. تأثیر عوامل اجتماعی بر هوش فرهنگی
		۱۵۲. تأثیر محیط
		۱۵۳. تأثیر محرک‌های محیطی
		۱۶۶. اهمیت محیط
		۲۷۲. تأثیر محیط اجتماعی
		۲۸۹. تأثیر اجتماع
		۳۰۳. اهمیت جامعه

ادامه جدول ۳

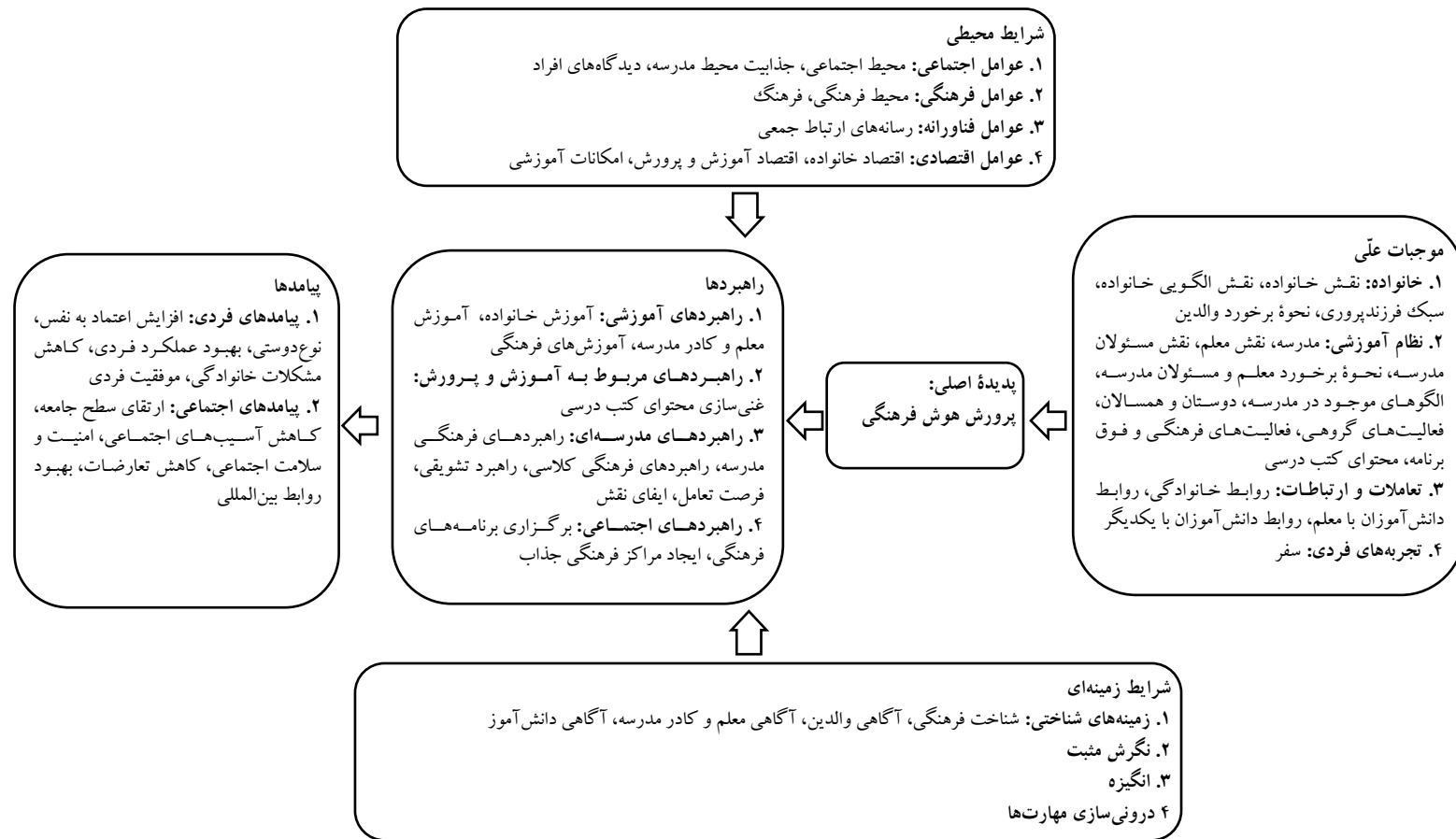
مقاله اصلی	مقاله فرعی	مفاهیم هم‌دسته
		<p>۳۷۷. اهمیت محیط اجتماعی</p> <p>۳۹۶. تأثیر فضا و محیط اجتماعی</p> <p>۴۰۹. تأثیر جامعه</p> <p>۴۴۸. اهمیت جامعه در فرهنگ‌سازی</p> <p>۴۹۰. تأثیر محیط و جامعه چندفرهنگی</p> <p>۴۹۱. تأثیر جامعه چندفرهنگی</p> <p>۵۱۱. تأثیر فضا و محیط بر هوش فرهنگی</p> <p>۵۲۲. اهمیت جامعه</p> <p>۵۲۵. اهمیت محیط زندگی</p> <p>۵۲۶. تأثیر محیط اجتماعی</p>
	جذابیت محیط مدرسه	<p>۱۳. تأثیر جذابیت ظاهری مدرسه بر یادگیری</p> <p>۷۹. ایجاد فضای فرهنگی مطلوب در مدرسه</p> <p>۳۷۰. ایجاد جذابیت در محیط مدرسه</p> <p>۳۹۷. جذابیت فضای آموزشی</p> <p>۵۱۲. اهمیت جذابیت فضای آموزشی</p> <p>۵۴۸. محیط فیزیکی مدرسه</p>
	دیدگاه‌های افراد	<p>۱۹۰. نوع نگاه افراد سرشناس و معروف</p> <p>۱۹۵. دیدگاه جامعه نسبت به تفاوت‌های فرهنگی</p> <p>۲۰۵. دیدگاه‌های مختلف در مورد تفاوت‌های فرهنگی در جامعه</p> <p>۲۰۷. دیدگاه والدین</p> <p>۲۰۸. دیدگاه دانش‌آموز</p> <p>۵۱۴. دیدگاه‌های موجود در خانواده</p> <p>۵۱۵. دیدگاه‌های موجود در جامعه</p>
عوامل فرهنگی	محیط فرهنگی	<p>۳۵۴. کتابخانه‌ها</p> <p>۴۱۲. فضای فرهنگی</p>
	فرهنگ	<p>۱۸۹. اهمیت مراسم‌های فرهنگی مختلف</p> <p>۵۵۶. فرهنگ‌های قومی کشور</p> <p>۵۵۷. فرهنگ‌های مختلف دنیا</p> <p>۵۶۰. نقش پررنگ فرهنگ در زندگی افراد</p>

ادامه جدول ۳

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم هم‌دسته
عوامل فناورانه	رسانه‌های ارتباط جمعی	۳۷. نقش رسانه‌ها
		۱۸۸. اهمیت رسانه‌ها
		۳۵۳. رسانه‌ها
		۳۶۷. نقش رسانه‌ها
		۴۰۱. رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون
		۵۴۱. جذابیت برنامه‌های تلویزیونی
		۵۴۲. نقش رسانه‌ها
عوامل اقتصادی	اقتصاد خانواده	۸. پایگاه اقتصادی خانواده
		۱۲۳. شرایط اقتصادی خانواده
		۲۵۹. توانایی مالی خانواده
		۲۸۸. شرایط اقتصادی خانواده
	اقتصاد آموزش و پرورش	۱۲۴. اقتصاد آموزش و پرورش
		۴۵۳. اقتصاد آموزش و پرورش
امکانات آموزشی	امکانات آموزشی	۳۴۹. امکانات و شرایط موجود در مدارس
		۳۸۳. امکانات آموزشی
		۵۴۹. تأثیر امکانات آموزشی مدارس

کد گذاری انتخابی

یافته‌های تحقیق هنگامی شکل نظریه به خود می‌گیرد که یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شود و مقوله‌ها به یکدیگر پیوندند و طرح نظری بزرگ‌تری را به وجود آورند. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها حول یک مفهوم قرار می‌گیرند که بدین منظور می‌توان از تکنیک‌هایی چون خط سیر داستان، استفاده از نمودار، گزارش و برنامه‌های کامپیوتری استفاده کرد. در این پژوهش، محقق در کد گذاری انتخابی با یکپارچه‌سازی مقوله‌های استخراج شده از همه مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی را شناسایی کرد و با استفاده از تکنیک خط سیر داستان، نظریه را تدوین کرد. الگوی مفهومی استخراج شده در این تحقیق، الگوی پرورش هوش فرهنگی دانش آموزان مدارس ابتدایی است که بر اساس یافته‌های این تحقیق حاصل شده است. در ادامه، پس از ارائه الگوی مفهومی تحقیق حاضر در شکل شماره ۱، به تشریح هر یک از مؤلفه‌ها و کارکرد الگوی تدوین شده پرداخته شده است.



شکل ۱ الگوی نظری پرورش هوش فرهنگی

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله یک سؤال اصلی داشت: کشف الگوی پرورش هوش فرهنگی. در این بخش با استفاده از نظریه داده‌بنیاد تلاش شده به پرسش زیر پاسخ داده شود: آیا می‌توان الگویی برای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بر اساس نظریه داده‌بنیاد طراحی کرد؟ از ابعاد الگوی به‌دست آمده موجبات علی پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بود. یافته‌ها حاکی از ۴ مقوله اصلی خانواده، نظام آموزشی، ارتباطات و تعاملات و تجربه‌های فردی است. نتایج پژوهش یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۰)، تسلیمی و همکاران (۱۳۸۸) با این بخش از تحقیق مطابقت دارد.

در تبیین یافته فوق در رابطه با خانواده به عنوان یکی از عوامل علی در پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان ابتدایی می‌توان گفت از آنجا که شخصیت کودک در تمامی زمینه‌ها با تأثیرپذیری از خانواده شکل می‌گیرد؛ در نتیجه خانواده بستری مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های کودک است. والدین با درونی کردن ارزش‌ها در فرزندان خود عامل انتقال فرهنگ و گرایش به فرهنگ جوامع دیگرند و از طریق ایجاد پیوند میان نسل‌های مختلف می‌توانند عامل انتقال میراث فرهنگی باشند؛ از سوی دیگر، نظام آموزشی از طریق مهم‌ترین ابزار خود که معلم و کتب درسی است ارزش‌های فرهنگی را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهد. امروزه مدرسه، به عنوان نهاد آموزشی و پرورشی، نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها و نگرش‌ها و روابط دانش‌آموزان دارد. مدرسه از افرادی تشکیل شده که هر یک تأثیر بسزایی بر نوع رفتار، نگرش و باورهای دانش‌آموزان دارند. معلم مهم‌ترین فرد در مدرسه است که دانش‌آموزان به طور مستقیم تعاملی رودررو و مستقیم با او دارند و دانش‌آموزان بعد از خانواده او را الگوی شخصیتی خود قرار می‌دهند. رفتار، رفتار و طرز عمل معلم نشان‌دهنده نوع نگرش و اعتقادات و شخصیتی اوست و دانش‌آموزان دوره ابتدایی در این سن که بیشتر از دیگران تقلید می‌کنند، او را الگوی شخصیتی خود قرار می‌دهند. از آنجا که یکی از ویژگی‌های فرهنگ آموختنی بودن آن است، معلمان در انتقال آن به شیوه صحیح و انتخاب عناصر فرهنگی مناسب، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

همچنین ارتباطات یکی از عوامل مؤثر بر زندگی اجتماعی دانش‌آموزان است و بسیاری از نیازهای دانش‌آموزان و شکوفا شدن استعدادها و خلاقیت‌هایشان فقط از طریق تعامل بین فردی و ارتباطات اجتماعی ارضا می‌شود، پس می‌توان گفت ارتباطات در توسعه

هوش فرهنگی نقش مهمی دارد. یکی از راه‌های اجتماعی شدن و تقویت مهارت‌های ارتباطی روابط صمیمی و عاطفی با خویشاوندان است. از آنجا که ارتباط با پدر و مادر و خواهر، برادر، عمو، دایی و سایر خویشاوندان نوعی بار عاطفی دارد، بهتر می‌تواند کودک را با محیط بیرون از خانواده آشنا کند. زمانی که کودک در موقعیت‌های نیمه‌آشنا و آشنا نحوه روابط والدین با دیگران و خویشاوندان را مشاهده می‌کند، روند اجتماعی شدن او تسهیل می‌شود و مهارت‌های ارتباطی را فرامی‌گیرد و آمادگی این را پیدا می‌کند که با افرادی از فرهنگ‌های مختلف و ناآشنا ارتباط برقرار کند، و ترس و اضطرابی که برای آن‌ها به وجود می‌آید کاهش پیدا می‌کند.

تجربه‌های فردی نیز به عنوان عاملی مؤثر در پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان است. می‌توان گفت با افزایش تماس بین افراد از گروه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، شناخت آن‌ها از شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی یکدیگر بیشتر می‌شود. همچنین سفر کردن در کنار اینکه می‌تواند افراد را با فرهنگ‌های مختلف آشنا کند، افراد را به مهارت‌هایی مجهز می‌کند که برای موفقیت لازمند. در مجموع تجربه‌های میان‌فرهنگی رابطه‌ای مثبت با جنبه‌های مختلف هوش فرهنگی افراد دارد. با این توصیف می‌توان گفت سفر بهترین راه آشنایی دانش‌آموزان با فرهنگ‌های مختلف است.

در بررسی پدیده اصلی پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی در الگوی به‌دست‌آمده، پدیده اصلی عبارت از مقوله‌ای است که به ما می‌گوید «چه چیزی در جریان است؟». اطلاع‌رسانان این پدیده را از طریق موجبات علی آن توضیح می‌دادند و می‌خواستند بیان کنند چه موجباتی در فرایند شکل‌گیری این پدیده تأثیر دارد و این فرایند در کدام زمینه و با چه ویژگی‌هایی و در چه شرایط محیطی صورت می‌گیرد و چه مداخلات و راهبردهایی می‌تواند در این فرایند اثر بگذارد (فراست‌خواه، ۱۳۸۷). در بررسی مصاحبه‌ها تمام مصاحبه‌شوندگان پرورش هوش فرهنگی را به عنوان پدیده اصلی پژوهش معرفی کردند و موجبات، بسترها، راهبردها و شرایط محیطی آن را برشمردند. همچنین در مطالعات ارائه‌شده در قسمت پیشینه تحقیق، پرورش هوش فرهنگی به عنوان پدیده اصلی عنوان شده است. نتایج این مطالعه با مطالعات ارائه‌شده در قسمت ادبیات پژوهش در مورد پدیده اصلی همسویی دارد.

در بررسی شرایط محیطی مؤثر بر پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد علاوه بر عواملی که به طور مستقیم تأثیر خود را بر

پرورش هوش فرهنگی می‌گذارند، عواملی وجود دارد که تخفیف‌دهنده یا تقویت‌کننده پرورش هوش فرهنگی است. این عوامل با عنوان شرایط محیطی یا مداخله‌گر شناخته می‌شوند. شرایط محیطی در این پژوهش در چهار مقوله عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل فناورانه و عوامل اقتصادی دسته‌بندی شدند. یافته‌های پژوهشی خجسته و عباس‌زاده (۱۳۹۱) با این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

در تبیین یافته‌های مذکور در رابطه با عوامل اجتماعی به عنوان شرایط محیطی مداخله‌گر و اثرگذار در پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان، می‌توان گفت محیط جامعه شرایط را برای اجتماعی شدن افراد از طریق برقراری ارتباط با دیگران فراهم می‌کند. جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند یکی از عوامل دخالت‌کننده در پرورش هوش فرهنگی افراد است. اگر افراد سرشناس جامعه از مهارت‌های هوش فرهنگی در رفتار و روابط خود استفاده کنند، ناخودآگاه دیگر افراد جامعه نیز به این سو کشیده می‌شوند. همچنین رسانه‌های ارتباط جمعی با توجه به تولید، توزیع سریع و مطلوب اطلاعات در جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه فرهنگی کشورها دارند و از جمله دستگاه‌های فراگیر و گسترده در انتقال محتوای فرهنگی و انتقال ارزش‌ها و هنجارها هستند. رسانه‌ها و به ویژه فضای مجازی، به جهت ویژگی‌های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند ترویج فرهنگ‌ها دارند، اهمیت بسیاری دارند. فرهنگ نیز بر تقویت هوش فرهنگی تأثیر می‌گذارد. همچنین محیط‌های فرهنگی با توجه به ظرفیت‌هایی که دارند، از جمله فضاهایی هستند که علاوه بر تأمین نیازهای روحی و فرهنگی دانش‌آموزان، فرصتی برای برقراری هر چه بیشتر ارتباطات و تعاملات فراهم می‌سازند. در نهایت، شرایط اقتصادی و درآمد خانواده از جمله عواملی است که بر هوش فرهنگی تأثیر می‌گذارد. در واقع افزایش درآمد عامل مهمی در افزایش ترویج فرهنگ و توجه به مفاهیم فرهنگی در درون فضای خانواده است. بنابراین هرچه درآمد خانواده‌ها بیشتر باشد، شرایط لازم در جهت آشنایی و حضور هر چه بیشتر افراد خانواده در محیط‌های فرهنگی فراهم‌تر است.

در بررسی شرایط زمینه‌ای مؤثر بر پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، بسترهای مورد نیاز برای پرورش هوش فرهنگی در چهار مقوله اصلی زمینه‌های شناختی، نگرش مثبت، انگیزه و درونی‌سازی مهارت‌ها دسته‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش شاه‌چراغی و همکاران (۱۳۹۳)، آقاییگ و صالحی امیری (۱۳۹۳) و عسکری وزیری (۱۳۹۱) با این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

در تبیین یافته‌های مذکور پیرامون آگاهی و شناخت فرهنگی به عنوان یکی از زمینه‌های لازم در پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان می‌توان گفت شناخت فرهنگ دیگری روابط فرد را با جهان دیگر یا فرهنگ دیگر سامان می‌دهد و به او مدارا با فرهنگ‌های دیگر را می‌آموزد. با شناخت رفتارهای بین‌فرهنگی، افراد ماهیت خود را عمیق‌تر شناخته و به درک بهتری از آن می‌رسند. بنابراین شناخت رفتارهای دیگران و نیز رفتارهای خود در یک محیط چندفرهنگی بی‌تردید در سازگاری اثربخش فرد مؤثر است. آگاهی و شناخت فرهنگ‌های متنوع و آشنایی با فرهنگ جامعه برای همه افراد به ویژه، دانش‌آموز، والدین و معلمان ضروری است، زیرا بدون آگاهی از هوش فرهنگی، تقویت و پرورش آن در دانش‌آموزان بی‌نتیجه است. معلمان در محیط مدرسه و کلاس درس با دانش‌آموزانی از اقشار مختلف جامعه (شهری، روستایی، طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی، مذهبی و ...) سروکار دارند که هر یک از آن‌ها با توجه به محیطی که در آن رشد و پرورش یافته‌اند، حامل بار فرهنگی خاصی هستند؛ پس اگر معلم از فرهنگ‌های متنوع شناخت کافی پیدا نکند و در برخورد با دانش‌آموزان خود به فرهنگ آن‌ها احترام نگذارد و آن‌ها را درک نکند، نمی‌تواند هنگام تدریس، هیجانات و احساسات ناشی از مواجهه با تنوع فرهنگی را مدیریت کند.

در تبیین نگرش مثبت به عنوان یکی از بسترهای لازم برای پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان می‌توان گفت وقتی افراد دید مثبتی نسبت به فرهنگ‌های دیگر دارند می‌توانند با انگیزه بیشتری ارتباطات و تعاملات میان‌فرهنگی خود را افزایش دهند و موفقیت خود را به میزان قابل توجهی بالا ببرند. همچنین وجود انگیزه در دانش‌آموزان آن‌ها را به سمتی می‌کشاند که بتوانند با افرادی از قومیت‌های مختلف ارتباط برقرار کنند؛ به عبارت دیگر، باید در ابتدا انگیزه در دانش‌آموزان وجود داشته باشد تا به سمت شناخت فرهنگ‌های مختلف کشیده شوند و در ادامه با ایجاد ارتباط با فرهنگ‌های دیگر بتوانند اهداف و برنامه‌های خود را به خوبی پیش ببرند و از برقراری ارتباط با دیگران لذت ببرند. از سوی دیگر، درونی‌سازی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی برای افزایش توانایی افراد در برقراری روابط با دیگران ضروری است. افزایش مهارت‌های زندگی ارتباط متقابل را بهبود می‌بخشد، تجربه‌های مثبت افراد را افزایش داده و آن‌ها را در تعامل‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی فرهنگی و مذهبی یاری می‌دهد و انتظار می‌رود ارتقای مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی به ارتقای هوش فرهنگی و سازگاری در محیط‌های فرهنگی متفاوت منجر شود.

نتایج راهبردهایی که جهت پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌توان به کار برد، در چهار مقوله اصلی راهبردهای آموزشی، راهبردهای مربوط به آموزش و پرورش، راهبردهای مدرسه‌ای و راهبردهای اجتماعی جای می‌گیرند. این راهبردها در واقع مسیریابی برای رسیدن به هدف مورد نظر هستند. یافته‌های پژوهشی بهاء‌الدینی و همکاران (۱۴۰۰)، کابلی (۱۴۰۰)، پیش‌قدم و ابراهیمی (۱۳۹۹)، حسن‌زاده (۱۳۹۸)، فقیه آرام و همکاران (۱۳۹۷) با این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت برای افزایش هوش فرهنگی دانش‌آموزان لازم است آن‌ها تحت آموزش‌های فرهنگی قرار گیرند. این آموزش‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند دانش خود را برای نگرستن به موقعیت‌های چندگانه یکپارچه سازند و نیز قضاوت در مورد دیگران را تا جمع‌آوری میزان کافی از شواهد و اطلاعات به تأخیر بیندازند. قرارگیری بیشتر در معرض آموزش‌های فرهنگی گوناگون و کسب دانش بیشتر منجر به افزایش قابلیت‌های کلی آن‌ها می‌شود. از جمله راه‌های پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان غنی ساختن محتوای کتب درسی مطابق با فرهنگ خود و دیگران است، زیرا بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب این رسانه صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، در مورد راهبردهای مدرسه‌ای به عنوان راهبردی مؤثر می‌توان گفت مدارس در کنار ارائه دانش‌های تخصصی، دانش‌آموزان را با دانش و مهارت‌هایی آشنا می‌سازند که بتوانند در مواجهه با فرهنگ‌ها و تعاملات فرهنگی موفق باشند. انجام فعالیت‌های فرهنگی و آشنا نمودن دانش‌آموزان با آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف در کلاس توسط معلم، زمینه توسعه و گسترش ارزش‌های فرهنگی را فراهم می‌کند. همچنین در مدارس با ایجاد فرصت تعامل بین دانش‌آموزان از طریق برگزاری فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی و استفاده از ابزارهای تشویق در جهت برگزاری برنامه‌های فرهنگی، مخصوصاً ایجاد علاقه به شناخت مردمان دیگر از طریق تشویق به مطالعه، می‌توان شرایط را برای تقویت هوش فرهنگی فراهم کرد.

همچنین جامعه با فراهم کردن شرایط برای جذابیت فضای مراکز فرهنگی، از طریق برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، جشنواره‌های فرهنگی، ایجاد بازارچه‌های صنایع دستی و برگزاری بازی‌های بومی، نقش مؤثری در گسترش و توسعه فرهنگ ایفا می‌کند که این خود زمینه را برای آشنایی و شناخت بیشتر فرهنگ و آداب و رسوم جوامع فراهم می‌سازد. پیامدهای حاصل از به کار بستن راهبردهای فوق در دو مقوله اصلی پیامدهای فردی

و پیامدهای اجتماعی دسته‌بندی شد. یافته‌های پژوهش کابلی (۱۴۰۰)، میرواحدی و همکاران (۱۴۰۰)، براتی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، شایسته و همکاران (۱۳۹۳)، آقابیک و صالحی امیری (۱۳۹۳) با این بخش از پژوهش همسو است. در تبیین یافته‌های فوق پیرامون پیامدهای فردی می‌توان این گونه گفت که امروزه هوش فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است، به گونه‌ای که تمام فرهنگ‌ها و کشورها باید به آن توجه کنند، زیرا هوش فرهنگی قدرت و اعتبار قضاوت فرد را افزایش می‌دهد و در نتیجه این فرایند، عملکرد فرد را بهبود می‌بخشد و موجب می‌شود تصمیمات وی نتایج سودبخشی به دنبال داشته باشد؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت با تقویت هوش فرهنگی دانش‌آموزان، آن‌ها سازگاری و رابطه بیشتری با شرایط و محیط‌های فرهنگی متفاوت پیدا خواهند کرد و عملکرد به مراتب بهتری را ارائه می‌دهند که این عملکرد موجب رشد و توسعه فردی و تحصیلی آن‌ها می‌شود. با توسعه هوش فرهنگی، دنیای انسان‌ها بزرگ‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و این باعث می‌شود افراد از این فرض که درک تنوع فرهنگی مشکل است به سوی قابلیت درک تفاوت‌های فرهنگی حرکت کنند. در تبیین یافته‌های مذکور پیرامون پیامدهای اجتماعی می‌توان اظهار داشت که با پرورش هوش فرهنگی دانش‌آموزان ابتدایی به عنوان آینده‌سازان کشور، می‌توانیم شاهد ارتقای سطح جامعه باشیم؛ جامعه‌ای که دانش‌آموزانش از هوش فرهنگی برخوردار باشند با استفاده از مهارت‌های ارتباطی، انگیزه و دانش فرهنگی که دارند، می‌توانند به خوبی با دیگران ارتباط و تعامل برقرار کنند. با افزایش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، برقراری تعامل به صورت مؤثر با فرهنگ‌های دیگر فراهم می‌شود که این خود سلامت و امنیت جامعه را به همراه خواهد داشت و به روند شکل‌گیری روابط بین‌المللی کمک خواهد کرد.

عدم امکان بهره‌گیری از تمام متخصصان حوزه روان‌شناسی و مشاوره کودک، به دلیل گستردگی محیط پژوهش و فراهم نبودن شرایط برای برگزاری مصاحبه‌های جمعی به صورت گروه‌های کانونی برای گردآوری داده‌های دقیق‌تر، از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. با توجه به اهمیت والدین و تأثیر خانواده در پرورش و تقویت هوش فرهنگی کودکان، آگاه‌سازی خانواده‌ها در مورد اهمیت موضوع هوش فرهنگی و غنی‌سازی محتوای کتب درسی با وارد نمودن مؤلفه هوش فرهنگی پیشنهاد می‌شود. همچنین طراحی بسته آموزشی برای برگزاری دوره‌های آموزشی هوش فرهنگی و ابعاد آن در پژوهش‌های آتی و انجام چنین پژوهشی در سایر مقاطع تحصیلی سودمند است.

منابع

- آقاینگ، ف.، صالحی امیری، س. (۱۳۹۳)، «نقش هوش فرهنگی در عملکرد مدیران (مورد مطالعه: صندوق بازنشستگی کشور)»، مدیریت فرهنگی، ۸ (۴)، ۱۳-۲۶.
- براتی پور، م.، اسکندری، م.، علیزاده، س. (۱۳۹۹)، «ارزشیابی اثرات هوش فرهنگی در پرستاری: یک مطالعه مروری یکپارچه»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۸ (۴، پیاپی ۱۲۹)، ۲۹۶-۳۰۵.
- بری خجسته، ف.، عباس زاده، م. (۱۳۹۱)، «مطالعه هوش فرهنگی و عوامل مرتبط با آن (استفاده از رسانه‌ها، هویت مذهبی و سرمایه اجتماعی) در دانشجویان»، مطالعات جامعه‌شناسی، ۵ (۱۶)، ۲۸۷.
- بهاء‌الدینی، ف.، رشیدی‌نژاد، م.، جهانی، ی.، اقبالی، ط.، عزیززاده فروزی، م. (۱۴۰۰)، «هوش فرهنگی در کارکنان پرستاری: ارتباط آن با تعامل اجتماعی». فرهنگ و ارتقای سلامت، ۵ (۲)، ۲۲۸-۲۳۶.
- پیش قدم، ر.، ابراهیمی، ش. (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر الگوی تدریس مبتنی بر هیجانات بر هوش فرهنگی زبان آموزان غیرفارسی زبان». زبان پژوهی (علوم انسانی)، ۱۲ (۳۵)، ۸۲-۵۵.
- تسلیمی، م.، قلی پور، آ.، وردی نژاد، ف.، من آل آقا، م. (۱۳۸۸)، «ارائه راهکارهایی برای ارتقاء هوش فرهنگی مدیران دولتی در امور بین‌المللی»، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۲ (۴)، ۲۵-۴۹.
- حسن زاده، ش. (۱۳۹۸)، «هوش فرهنگی نیاز جامعه دانشگاهی»، پژوهشنامه اورمزد، ۴۶ (۲)، ۵-۲۲.
- ذهبیون، ا.، سعیدیان، ن.، کشتی آرای، ن. (۱۴۰۰)، «اعتباریابی مدل مدیریت استعداد معلمان ابتدایی در نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶ (۱)، ۹۸-۷۳.
- رحیمی، ح.، حلویی، م. (۱۳۹۸)، «اثر سرمایه روان‌شناختی بر فرسودگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه کاشان: نقش میانجی هوش فرهنگی». روان‌شناسی فرهنگی، ۳ (۲)، ۳۳-۵۳.
- شاهچراغی، ف.، صادقی، س.، حقیقتیان، م. (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر هوش فرهنگی بر عملکرد شغلی کارکنان سازمان بهزیستی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵ (۴)، ۷۲-۵۹.
- عسکری وزیری، ع. (۱۳۹۱)، «بررسی هوش فرهنگی، مؤلفه‌ها و راهبردهای آن در سازمان با رویکرد اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱ (۵)، ۱۹-۲۷.
- فراست خواه، م. (۱۳۸۷)، «آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران، مدلی برآمده از نظریه مبنایی (GT)»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴ (۵۰)، ۶۷-۹۵.
- فقیه آرام، ب.، مرادی، س.، کاظمی، م. (۱۳۹۷)، «ارتباط هوش فرهنگی و هوش معنوی با هویت اجتماعی دانشجویان»، دوفصلنامه علمی-ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۶ (۱۱)، ۱۳۰-۱۴۸.
- قاسمی، و.، فریدون، و.، یزدخواستی، گ. (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر هوش فرهنگی و الگوهای تقویت آن»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، ۴ (۹)، ۳۳-۵۰.
- کابلی، م. (۱۴۰۰)، «آموزش هوش فرهنگی در هزاره سوم: ماهیت، ضرورت، رویکردها و ابعاد»، نخبگان علوم و مهندسی، ۶ (۳)، ۳۰-۴۱.
- معمدی شارک، ف.، به‌پژوه، ا.، شکوهی یکتا، م.، افروز، غ.، غباری بناب، ب. (۱۳۹۵)، «طراحی برنامه آموزشی هوش هیجانی و مطالعه اثربخشی آن در کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان تک‌والد با مشکلات هیجانی و رفتاری». پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی (روان‌شناسی و علوم تربیتی)، ۷ (۲)، ۶۷-۴۹.

- میرواحدی، ل.، مشکاتی، ز.، بادامی، ر.، فائق، س. (۱۴۰۰)، «فراتحلیلی بر پرونده‌های هوش فرهنگی در جامعه ورزشی ایران»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۰ (۵۲)، ۵۸-۴۱.
- یزدخواستی، گ.، قاسمی، و.، وحید، ف. (۱۳۹۰)، «رابطه تماس‌های بین فرهنگی و هوش فرهنگی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، (۲)، ۱۶۲-۱۳۳.
- Ang, S.; Van Dyne, L. & Tan, M. L. (2016), *Cultural intelligence*. Cambridge handbook of intelligence, 582-602.
- Chua, R. Y. J., Morris, M. W., & Mor, S. (2012), *Collaborating Across Cultures: Cultural Metacognition and Affect-based Trust in Creative Collaboration*. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 118, 116-131.
- Earley, P. C. & Mosakowski, E. (2004), 'Cultural Intelligence.' *Harvard Business Review*, 82(10), pp. 139-146.
- Hu, S. Hefu L. Shuqin Z. and Guoyin W. (2020), 'Proactive personality and cross-cultural adjustment: Roles of social media usage and cultural intelligence.' *International Journal of Intercultural Relations*. 4(2), 85-95.
- King, K. A., & Vaiman, V. (2019), 'Enabling effective talent management through a macrocontingent approach: A framework for research and practice.' *BRQ Business Research Quarterly*, 22(3), 194-206.
- Livemore, David (2011), *The Cultural Intelligence Difference: Master th One Skill You Can't do Without in Today's Global Economy*. United States of America: American Management Association.